



#2

Disney · PIXAR

# INCREDIBLES 2

SECRET IDENTITIES



دورنامه

[dornaname.info](http://dornaname.info)

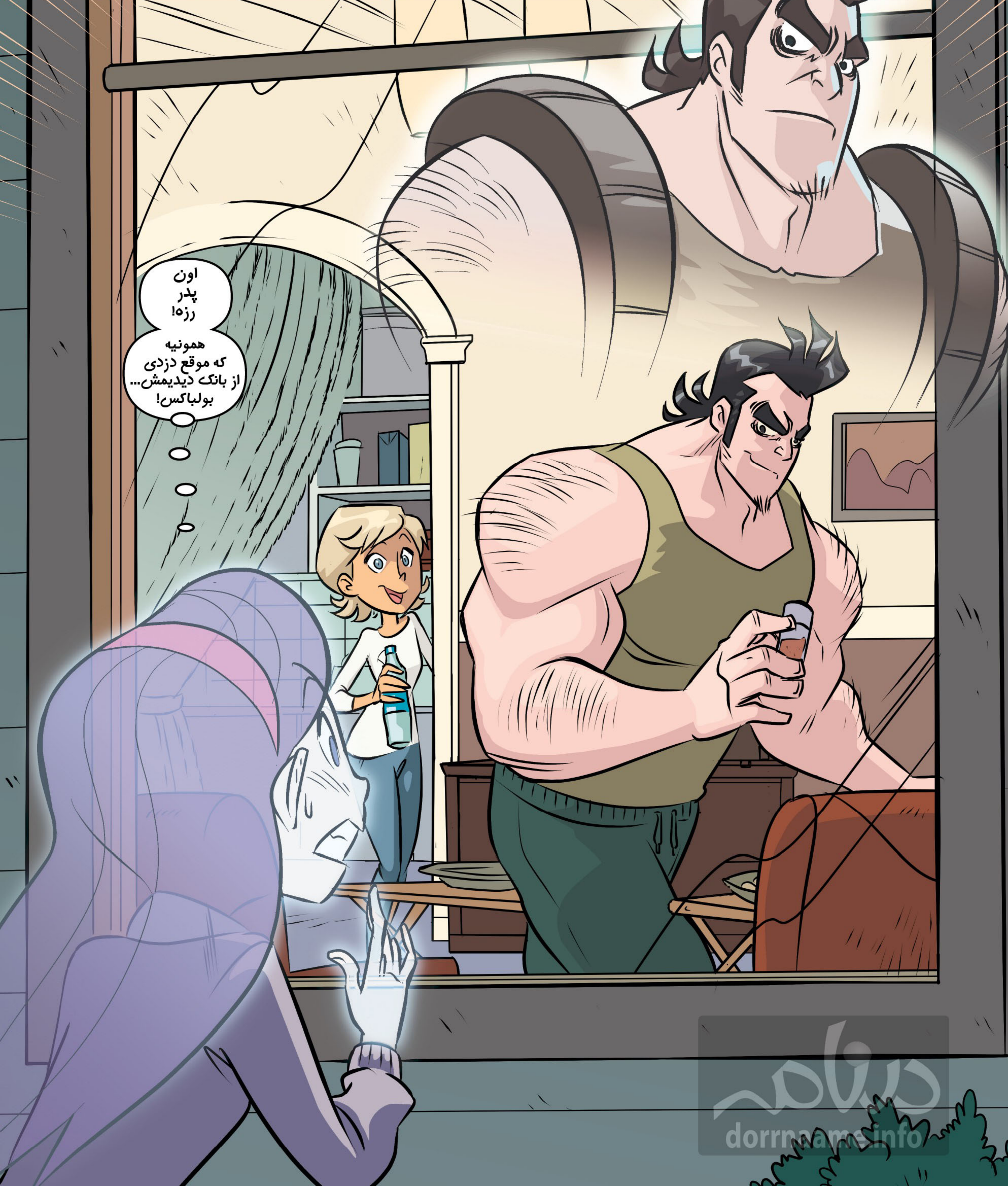
کاری از: کیوان داوند







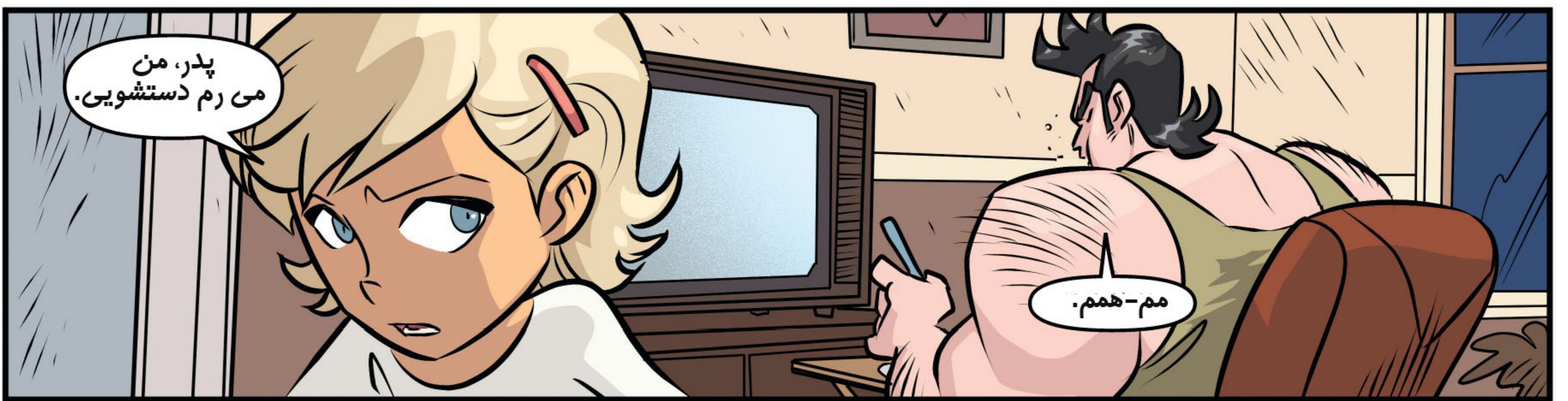
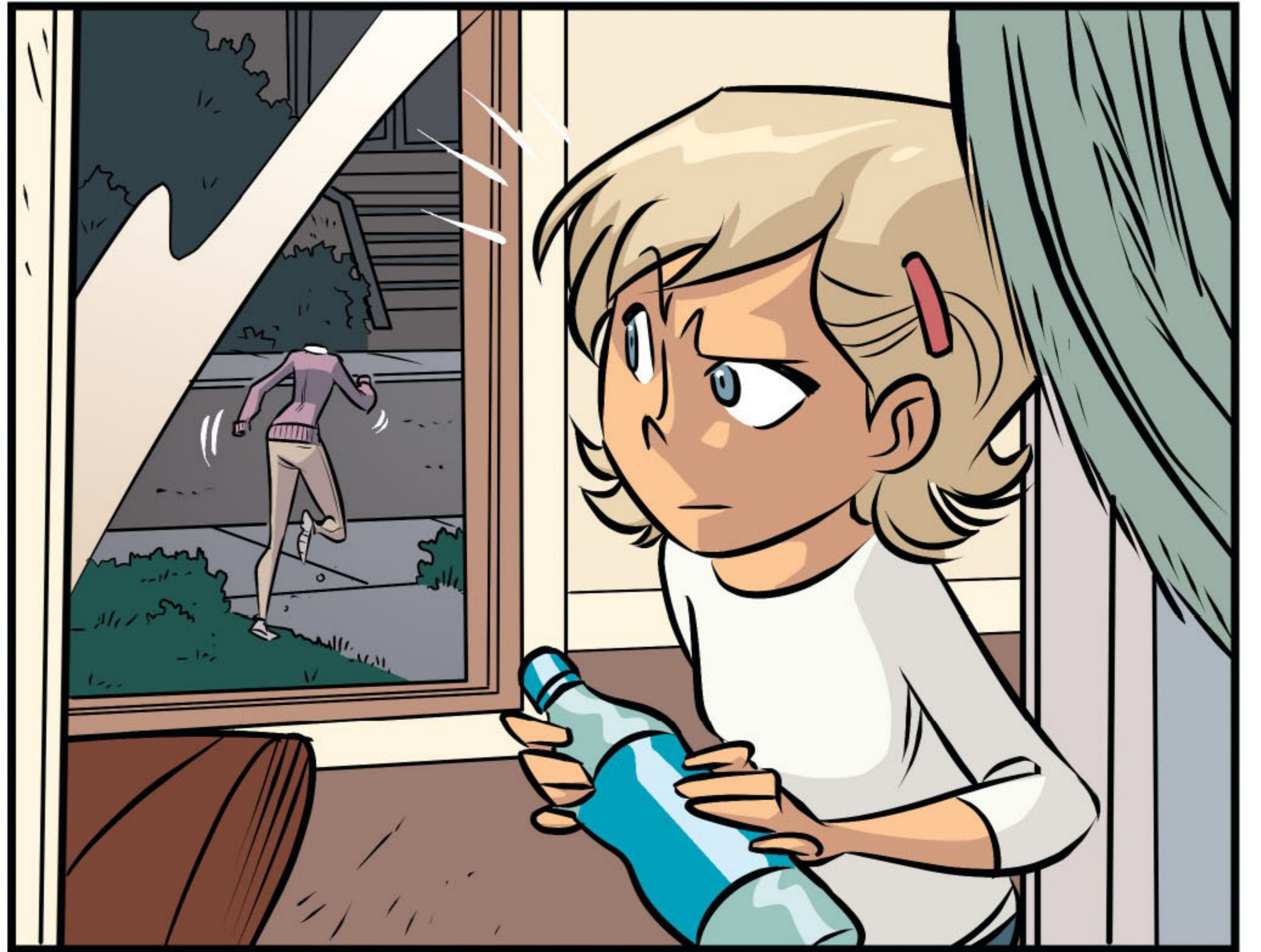
والی،  
خیلی بد شد.



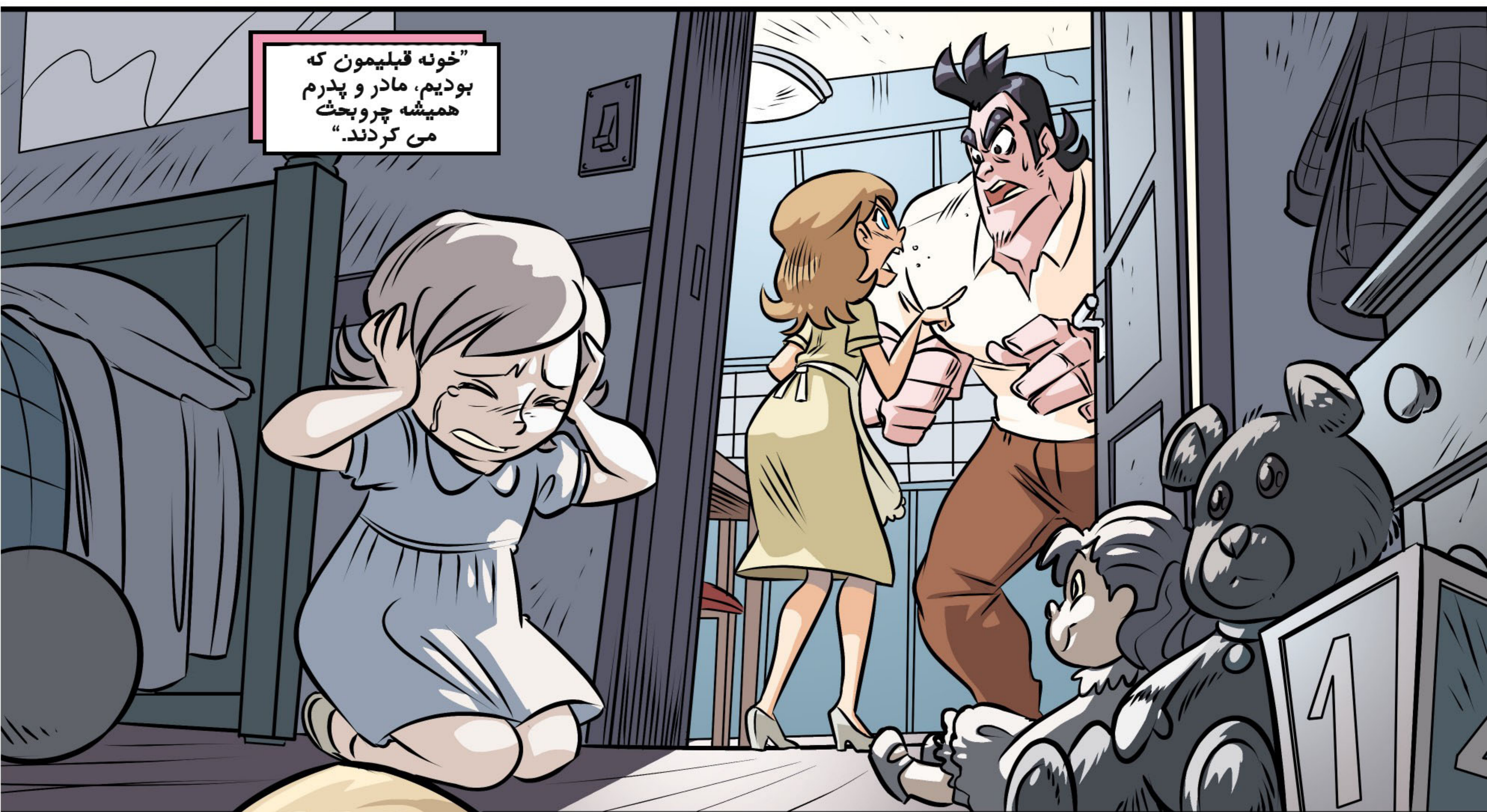
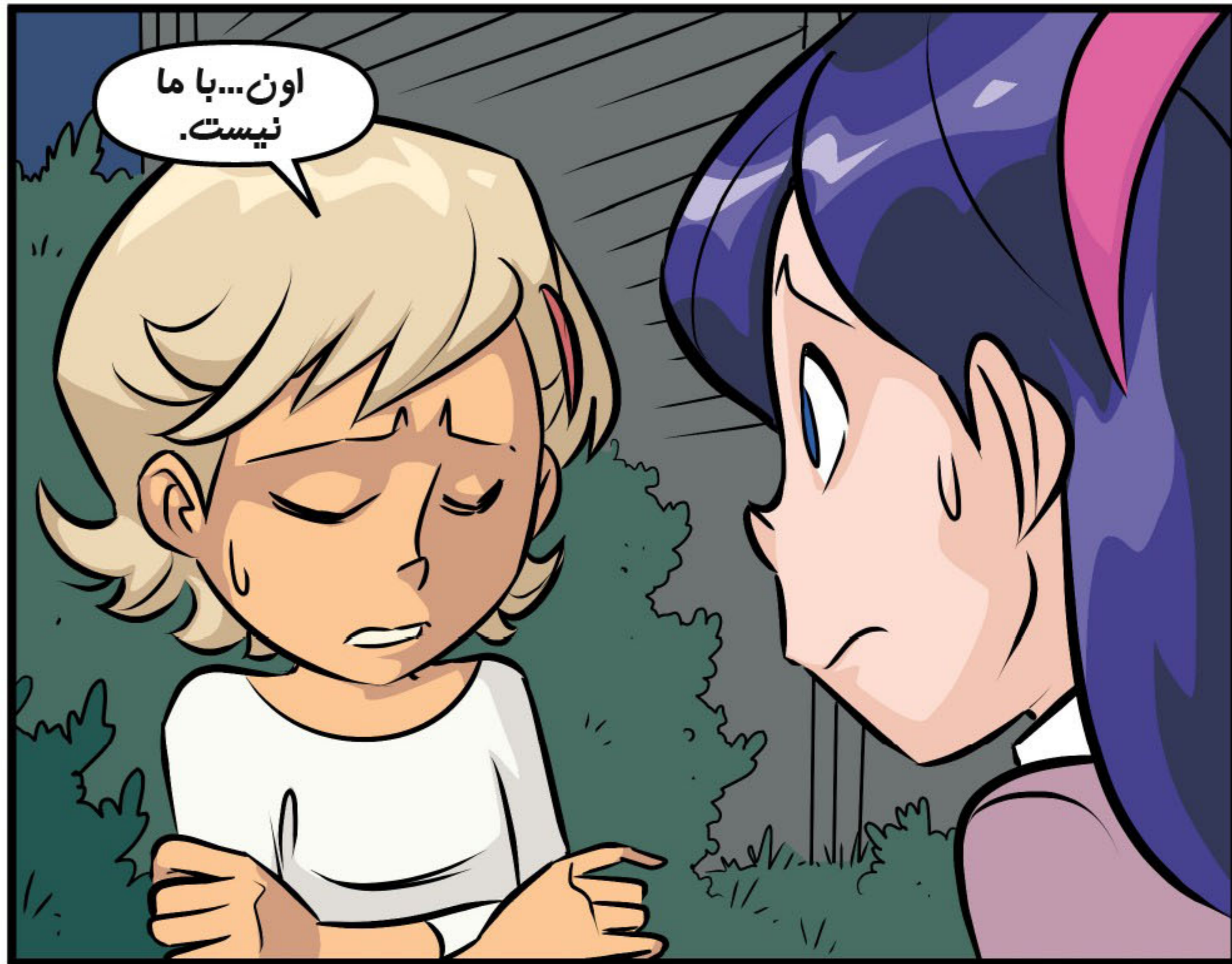
اون  
پدر  
رزه!

همونیه  
که موقع دزدی  
از بانک دیدیمش...  
بولباکس!













تو خانوادتو دوست نداری؟

البته.

و نمی تونی تصور کنی که بدون اونجا بمونی درسته؟



نه... نمی تونم.

ولی پدر تو یه مجرمه...



ولی به کسی که آسیبی نرسونده. و من دارم راضیش می کنم از این کار دست برداره.

می دونم می تونم. فقط به شانس به من بده.

قول بده چیزی نمی گی. خواهش می کنم.



... باشه نمی گم.

ممنونم و ایولت. خیلی ممنونم.

تو بهترین دوستی هستی که تا حالا داشتم.







تکون نخور  
عزیزم. تو نمی خواهی  
لباس چروک بپوشی.  
همه برای جمع کردن  
کمک میان اونجا...  
شهردار، شورای  
شهر...

مامان...  
خانواده مجمه  
مکه نه؟



البته!  
به همین دلیله که  
فردا شب ما به نمایش تو  
میاییم. حتی دش.

چی؟ سریعتر  
از نگاه کردن به این نمایش  
مسخره تلویزیون خوابم می بره!  
جک جک نباید بره!



جک جک بچه  
است. اون می خوابه.  
وقتی بزرگتر شد، اینجور  
جاها می بریمش.

چون ما یه  
خانواده ایم و همیشه  
پیش هم می مونیم،  
درسته؟

فکر کنم...



خودشه!  
من تاریخ، زمان  
و محل های دستبرد  
دزد اسرار آمیز رو مشخص  
کردم و به یه الگو  
رسیدم.

می دونم  
دفعه بعد کجا می ره.  
جوهر فروشی ساشای...  
امشب!

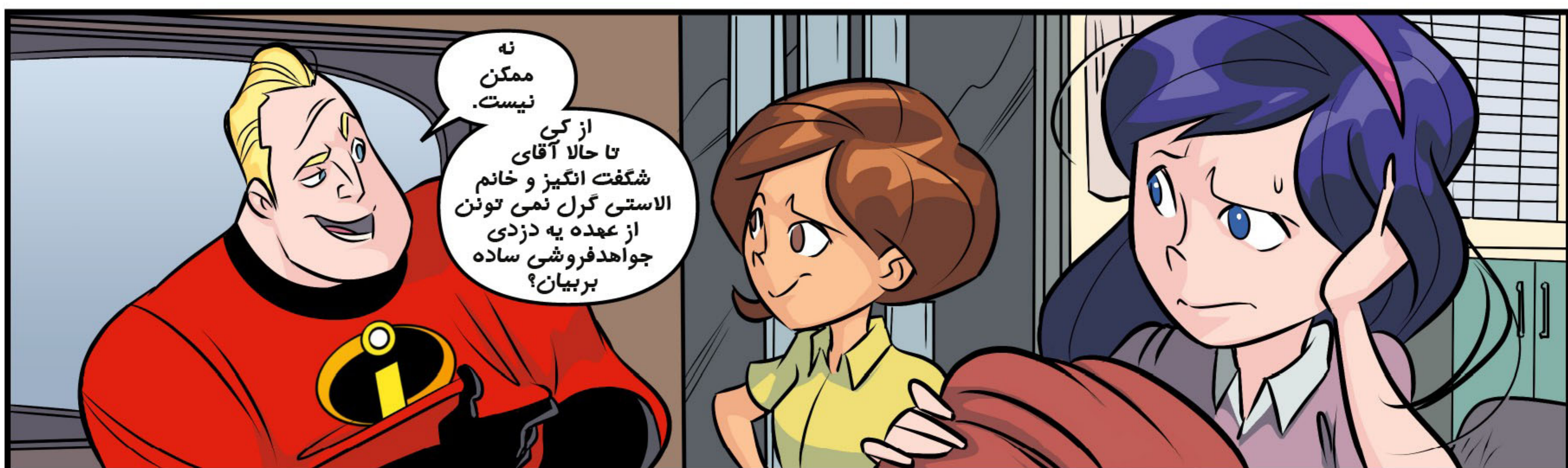




من می رم اونجا تا مراقب مغازه باشم.

صبر کن. منم میام. از فروزون می خوام بیاد مواظب بچه باشه.

مگه اینکه فکر کنی به کمکش نیاز داریم؟



نه ممکن نیست. از کی تا حالا آقای شگفت انگیز و خانم الاستی گرل نمی تونن از عهده یه دزدی جواهر فروشی ساده بر بیان؟



من می خوام تو اتاق خودم درس بخونم. به فروزون بگو نگران من نباشه. من مشکلی ندارم... فقط باید تمرکز کنم.

باشه عزیزم. فکر نکنم دیر کنیم.



مادر و پدر خیلی با عجله رفتند... یه کم وقت لازم دارم تا بهشون برسم.

شاید هیچ اتفاقی نیفته. شاید هم رز پدرشو راضی کرده به راه راست بیاد...



والی نه...



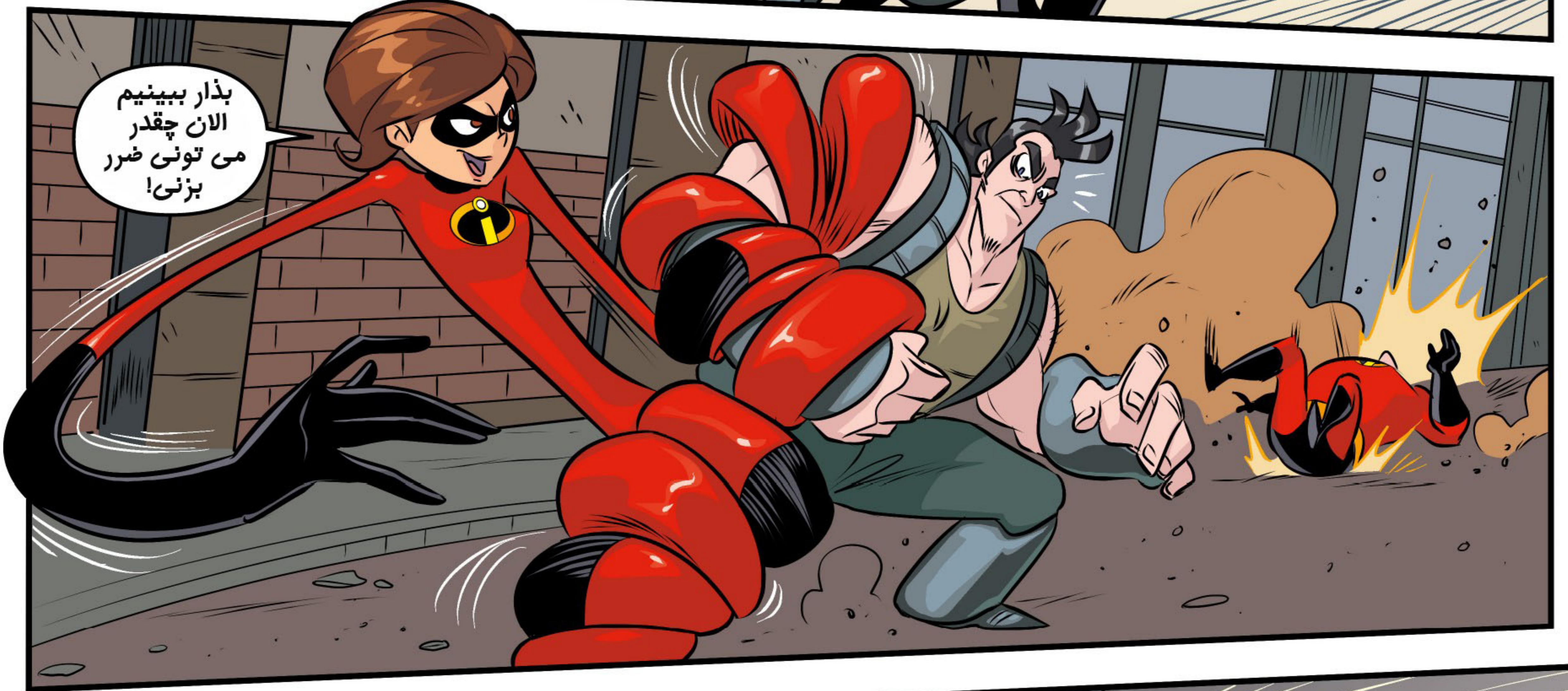
# WHABOOOM!

بولباکس! اشتباه کردی کارهای خلافت رو آوردی تو خیابون های میونیسپرگه!

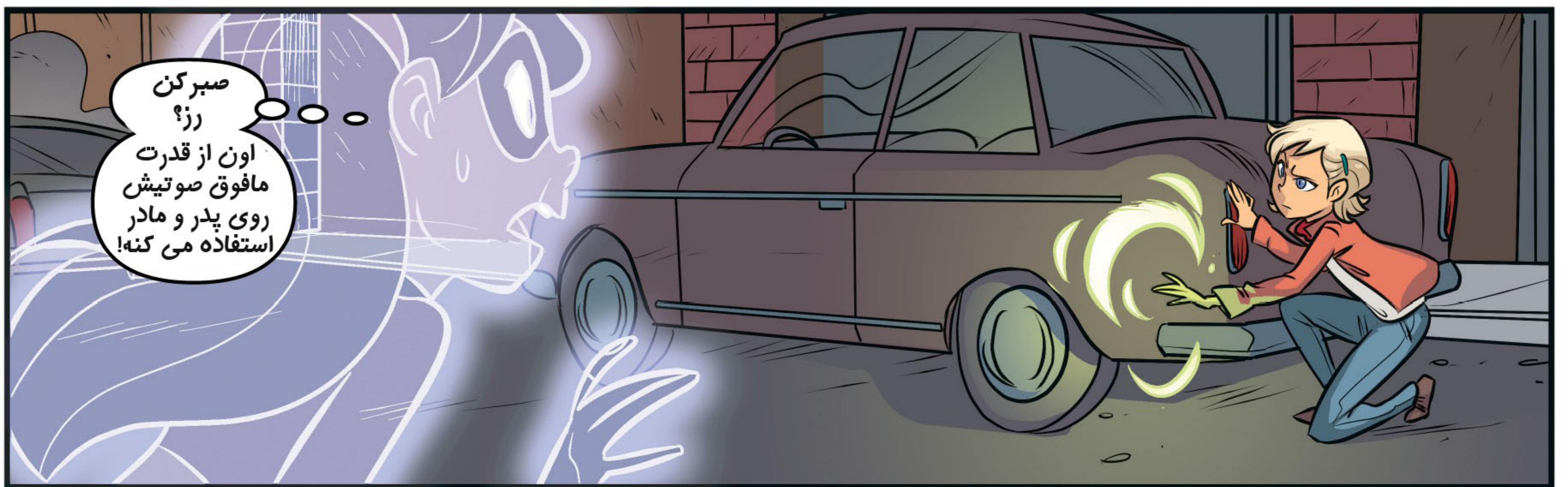
همیشه می خواستم ثابت کنم که از تو قویترم بیا پسر خوش تیپ. بیا امتحان کنیم!



















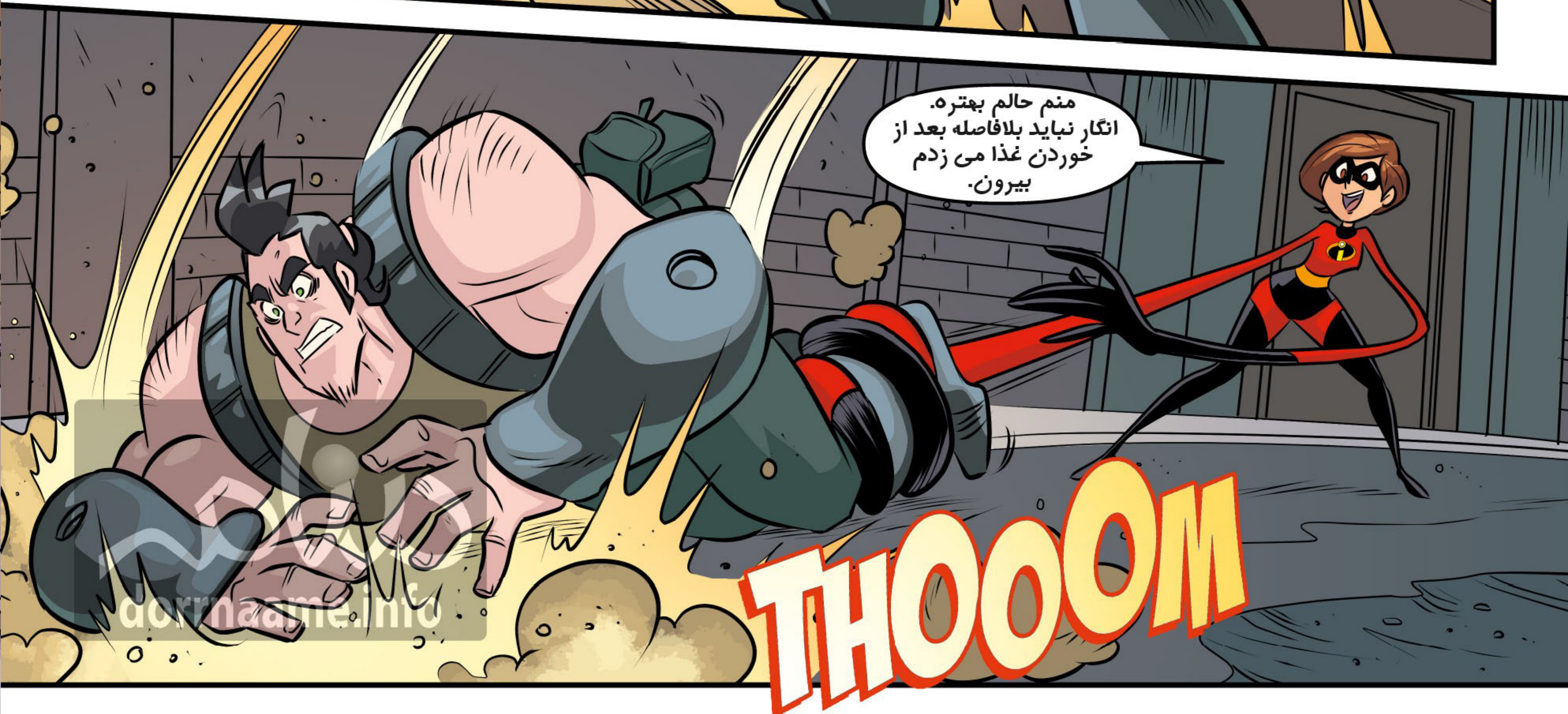
من الان حس سخاوتم بکار افتاده. بگو "عمو" تا بس کنم.



امکان نداره. حالم منم زیاد خوب نبود، ولی الان حس بهتری دارم...

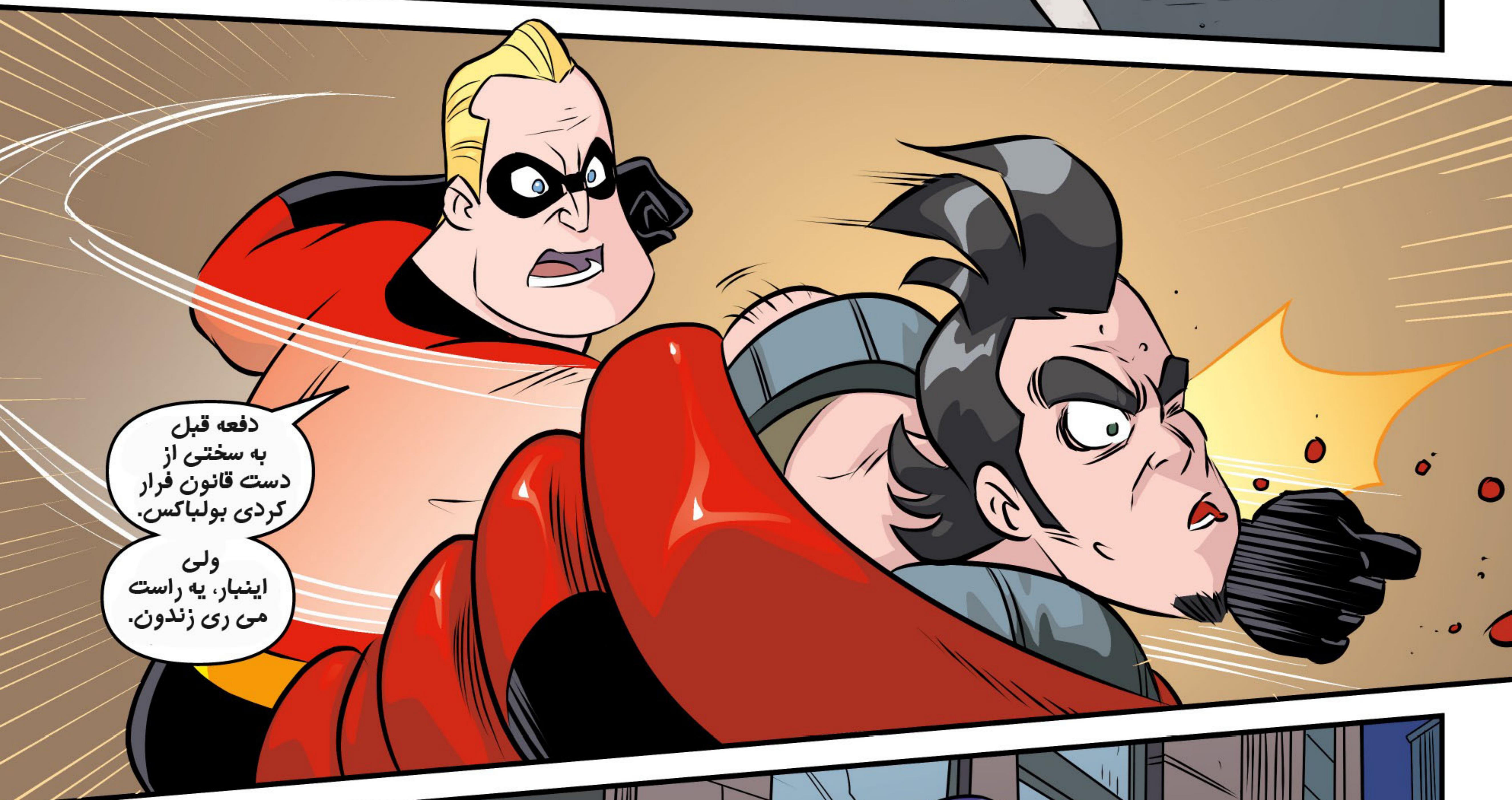


و... این برای تو خبر بدیه!



منم حالم بهتره. انگار نباید بلافاصله بعد از خوردن غذا می زدم بیرون.









**KSSSHH**











اون انفجارهای صوتی از کجا میومدن؟  
یه نوع سلاح سری خطرناک بود؟

یا اینکه بولباکس یه متحد خطرناک داره؟

اون زیاد تحت تأثیر قرار نگرفت. حتماً گوشی تو گوشش بود... آمادگیشو داشت.



خوب، بهتره بریم خونه.  
انگار امشب قرار نیست به جواب این سؤال ها برسیم.









واوا به نظر می رسه بخش جمع آوری کمک های مدرسه خوب عمل می کنه.

و اگه ما هم کمک کنیم، بهتر می شه.



اینجا شمشیر بازی عالییه! هم هست؟

می بینی؟ یه امتحان بکن، شاید خوشت اومد.



ویولت! تو عالی شدی... ولی دیدن هنرپیشه قبل از نمایش بدشانسی نمیاره؟

اونو تو عروسی می کن.

حالت خوبه؟

نه. کل روز می خواستم باهاتون صحبت کنم. مامان، بابا... یه چیزی هست که می خوام بهتون بگم.

یه... یه راز که پیش خودم نگهش داشتم.







من به دوست  
جدید پیدا کردم...  
رز. اون قدرت داره.  
قدرت صوتی.

اولش خیلی  
هیجان زده بودم...  
که کسی رو دارم که در کم  
می کنه. ما با هم می رفتیم  
بیرون و تمرین  
می کردیم.



ولی بعداً  
فهمیدم که  
پدرش بولباکسه.

ازم خواست تا  
بهتون نگم. می ترسه  
پدرش رو از دست  
بده.

بیینم... دزدکی  
می زدی بیرون؟

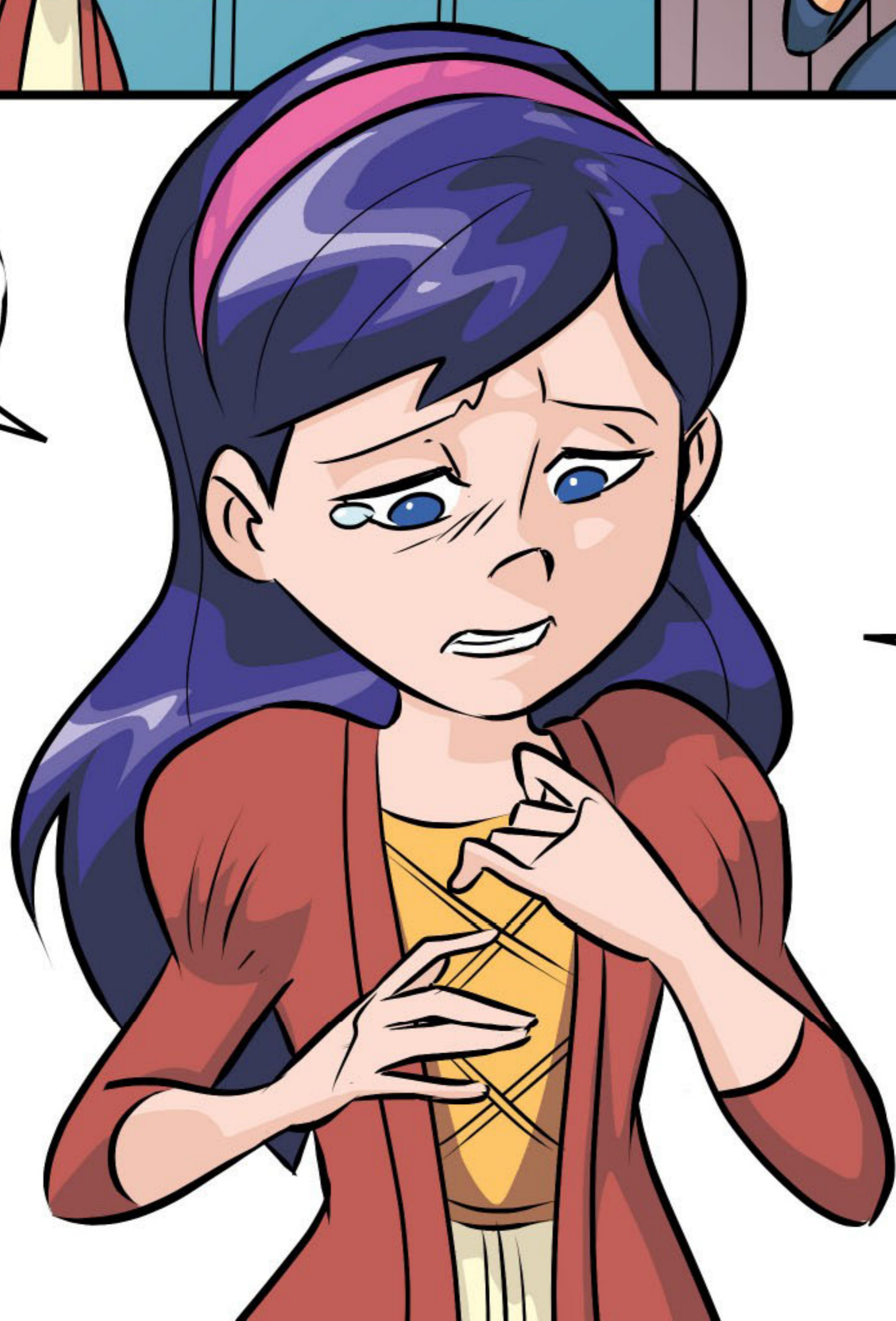


رز می گه که سعی می کنه  
پدرش رو راضی کنه خلاف  
نکنه. ولی داره بدتر  
می شه.

دفعه قبل رز  
رو با خودش برده  
بود. اون پنهان شده بود  
و از قدرتش علیه شما  
استفاده می کرد.

می دونستم!

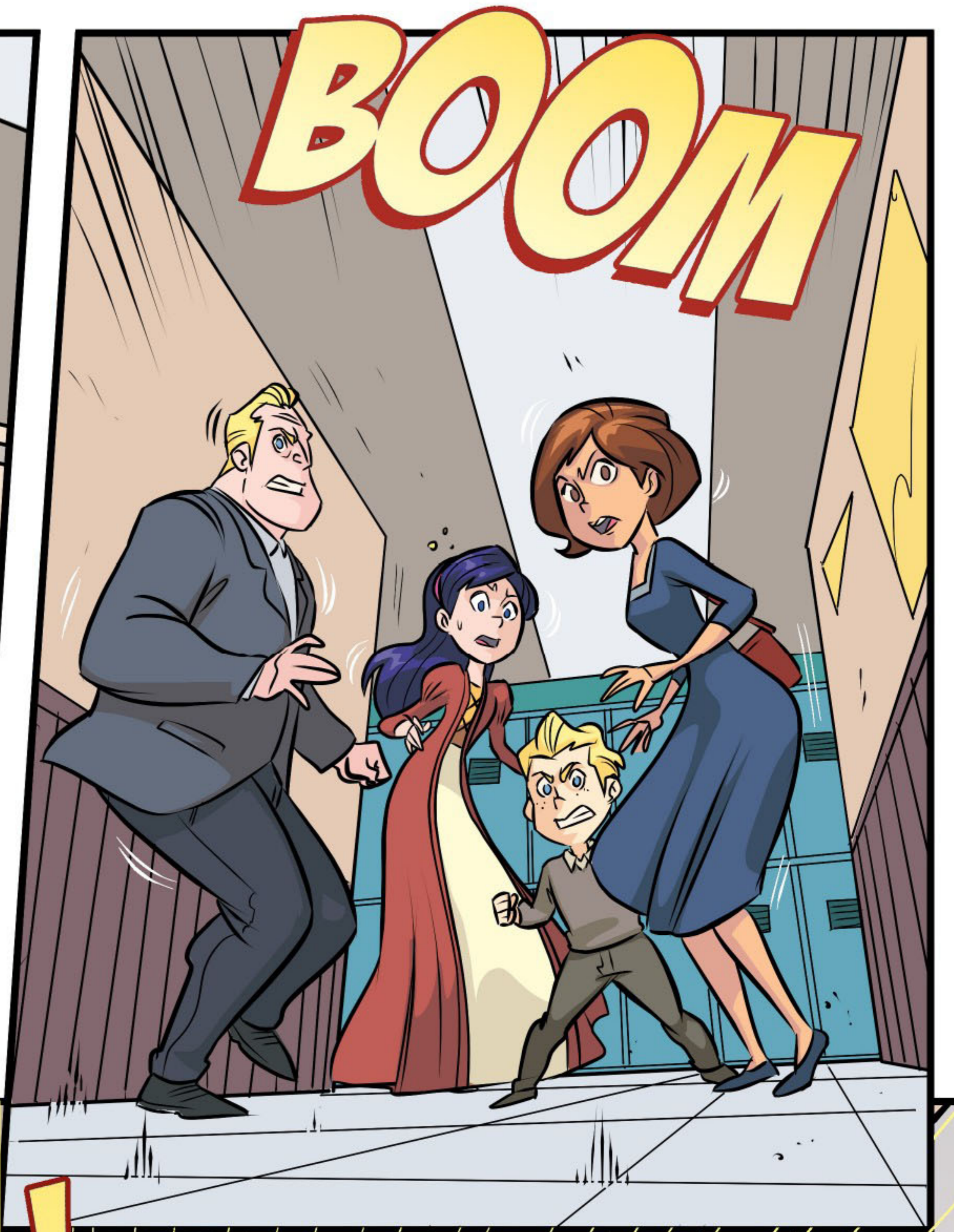
می خواستم  
یه بار دیگه با رز  
صحبت کنم. ولی کل  
روز نتونستم پیداش  
کنم.



من می دونم  
خانواده چقدر مهمه...  
شما برام خیلی مهم  
هستید. ولی اگه کسی کاری  
نکنه... خیلی زود...  
کسی آسیب می بینه.

خیلی  
متأسفم. می دونم  
که زودتر باید بهتون  
می گفتم.









مدرسه  
تعطیله.



زیادی  
صبر کردم...

ادامه دارد!



Disney · PIXAR  
**INCREDIBLES 2**  
SECRET IDENTITIES



©2019 Disney/Pixar

دورنام

dorname.info

مرجع کمیک های فارسی